



کلاف

ضمیمه نوجوان

شماره ۳۳ | ۸ آبان ۱۳۹۹

نوجوان
کلاف



محمدصادق
امانی

اسرار سیزده

چند ویژگی مشترک میان همه نسل های نوجوان را مرور کنیم

اساسا اسم نوجوانی را نو- جوانی گذاشتند برای اینکه حد فاصل کودکی و جوانی است. انگار سیزدهمین بهار زندگی را کنار سفره هفت سین گذراندی، ناگهان وارد مرحله ای جدید از بازی زندگی می شوی با کلی آپشن های جدید. تازه غول هاسرو کله شان پیدا می شود و می فهمی زندگی خیلی سخت تر از «قارچ خور» است! و اگر حواست نباشد ممکن است گیم آور هم بشوی. در کل باید برای روزهای بزرگتر آماده شوی و اگر ندانی چه ویژگی هایی در وجودت ریشه گرفته، معلوم نیست بتوانی راه را از چاه تشخیص بدهی. برای همین است که رفته ایم سراغ یک سری از همین ویژگی های روزگار پس از ۱۳ سالگی.

«در جست و جوی هویت

انسان ها وقتی کودک هستند همیشه در کنار بزرگ ترها تعریف می شوند یعنی همه، کودکان را به عنوان پسر یا دختر آقای فلانی و خانم بیساری می شناسند و برای همین هم شخصیت جداگانه ای ندارند؛ اما این مرز کوچک خوشبختی یعنی ۱۳ سالگی که طی می شود، سر و کله معرفی فرد با ویژگی های شخصی اش و شناخت خود او مستقل از دیگران به زندگی اش باز می شود. قلمبه فرآیند پیدا کردن شخصیت جداگانه در هر نوجوان، «هویت طلبی» است.

قلمبه سلمبه که خواهیم حرف بزنیم، معنی اش همان تلاشی است که وقتی یک پیچ شخصی برای خودمان می زنیم می کوشیم تا پروفایلی که در خور معرفی ماست، ایجاد کنیم. البته بد نیست در مسیر کشف هویت، اهداف، ارزش ها و رویاهای مان را هم کشف کنیم.

«فقط استقلال...»

محاسبه مان نشان می دهد از زمانی که مادرها با قاشق به بچه های خودشان غذا می دادند تا الان حدود ۱۳ سال گذشته و حالا آن نوزاد دیگر بزرگ شده است و دوست ندارد فرهنگ و اخلاق و تجربیات را هم با قاشق به خورد او بدهند. نوجوان توقع دارد خانواده استقلال نسبی او را به رسمیت بشناسد و اجازه دهد خودش برای خیلی از چیزها تصمیم بگیرد و پیامدهای تصمیم خودش را هم بپذیرد.

البته ناگفته نماند که علاقه زیاد نوجوان ها به استقلال پیدا کردن یک استثنای مهم هم دارد و آن استقلال اقتصادی است به شکلی که نوجوان ها در این یک فقره به هیچ وجه راضی به زحمت نیستند و همچنان جیب مبارک پدر را به جیب خود ترجیح می دهند.



«لجبازی یا انعطاف؟»

آنهايي که فکر کردند همه نوجوانان در مواجهه با مشکلات و امور ناخوشایند زود رنج هستند و به تعبیر عامیانه نازک نارنجی محسوب می شوند، سخت در اشتباه اند؛ زیرا برخی نوجوانان برای رسیدن به اهداف شان با مخالفت

با موضوعی مبتنی بر راهبرد «بهترین دفاع، حمله است» عمل کرده و شروع به پرخاشگری و لجبازی می کنند. البته احتمالا بعضی از نوجوانان هم بعد از چند سال ممارست در لجبازی در خانواده احتمالا به این نتیجه می رسند که گاهی لوس کردن بیش از لجبازی در رسیدن به اهداف به نوجوانان کمک می کند.



«من نوجوانم، پس هستم!»

نوجوان ها که به این راحتی بی خیال استقلال طلبی نمی شوند بلکه تصمیم می گیرند برای این که استقلال خودشان را به دیگران نشان دهند، خودشان را در چشم دیگران فرو کنند. البته به زبان خوشش می شود اثبات کردن خود به دیگران. که البته چون معمولا با زبان خوش اثبات نمی شویم پای خشم و طغیان هم وسط می آید. در این میان برخی نوجوان ها به مزه پرانی و رفتارهای عجیب و غریب روی می آورند، برخی هم ترجیح می دهند خوشان را با رشد در یک زمینه علمی یا ورزشی و انجام دادن کارهای مفید برای جامعه به دیگران اثبات کنند تا بلکه جامعه آنها را بیشتر بپذیرد. بقیه هم قید جامعه را می زنند و می روند در فضای مجازی برای خودشان اعتبار دست و پا کنند.



«شک سازنده

فرد با ورود به دوره نوجوانی در باورها و ارزش هایی که در دوره کودکی آنها را به تقلید آموخته بود، شک می کند. این شک اگر با رفتار صحیح نوجوان همراه شود، تبدیل به شک سازنده می شود که نوجوان را از باورها و خرافه های تقلیدی دوره کودکی جدا می کند و باورهای عقلی و استدلالی را جایگزین آن می کند. در این شرایط البته لازم است تا نوجوان از راهنمایی های افراد قابل اعتماد استفاده نکند تا به خطا نرود و باورهای حقیقی را با نمونه های تقلبی آن اشتباه نگیرد.



«منشور خود ساخته حقوق نوجوانان

۱۳ سال و یک روز که هیچ، ۱۳ سال و یک ساعت هم که می شود یکپو چشم باز می کنی و خودت را در یک قفس بزرگ حس می کنی از جنس دستورها و خواسته ها و فشارهای دیگران به خصوص خانواده. و توی نوجوان که اصلا روحیه گذشته را نداری و به این راحتی ها تن به هر قانون و قاعده و خط قرمزی نمی دهی؛ شروع می کنی به مخالفت با همان دیگران و دنبال آزادی هستی. این آزادی که نوجوان ها به دنبالش هستند بدجوری دوست دارد بی قید و بند باشد و هرچه امتیاز بیشتری در به دست آوردن آن کسب کنیم حس

